

## درس چهارم (نوشته های گزارش گونه)

- ❖ «گزارش» یکی از قالب های پرکاربرد نوشتن است.
- ❖ **رخ داده های واقعی** را بر بنیاد حواس ظاهر، بیان می کند.
- ❖ زمانی گزارش می نویسیم که بخواهیم رویدادی را **کوتاه و گویا** معرفی کنیم.
- ❖ گزارش خوب باید **زمان، مکان و برخی جزئیات** را به درستی بازگو کند.
- ❖ یکی از **روش های مناسب** برای تهیه گزارش، بهره گیری از **پرسش** است.
- ❖ هنگام نوشتن گزارش، ابتدا درباره موضوع مورد نظر، پرسش های متنوعی طرح می کنیم؛ (**پرسش های عینی: مرحله اول**)
- ❖ سپس به طبقه بندی و چینش پرسش ها می پردازیم. (**گزینش و سازمان دهی پرسش ها: مرحله دوم**)
- ❖ **نکته مهم** این است که چون فضای متن های گزارش گونه عمدتاً با نوشته های **محسوس و عینی** شکل می گیرد، نوع **پرسش ها و پاسخ ها** نیز باید **عینی** باشد.

## هنجار نوشتار ۴

- یکی از نکات مهم در کاربرد واژه، **توجه به فضای حاکم بر متن** است.
- واژه ها **متناسب با حال و هوای متن** انتخاب می شوند.
- ویژگی های **معنایی و آوایی** واژه ها در ایجاد فضای نوشته، بسیار مؤثر است.
- **نوشته زبانی** فقط جنبه **اطلاع رسانی** دارد و باید از کلماتی استفاده شود که **مستقیم و واضح** منظور نویسنده را منتقل کند و نیاز به **بار احساسی و عاطفی** ندارد.
- در **نوشته ادبی هدف نویسنده انتقال احساسات خود به خواننده** است، پس باید از کلمات با بار احساسی مناسب استفاده شود.

❖ نوشته زیر، یک **متن زبانی** است و فقط جنبه **اطلاع رسانی** دارد.

«چشم، یکی از پرکارترین اعضای بدن انسان است. اگر بگوییم چشم ها از لحاظ کارکرد بعد از مغز در مرتبه دوم قرار می گیرند، بیهوده نگفته ایم. این درست است که مغز انسان در بیست و چهار ساعت به صورت مستمر کار می کند؛ اما باید بگوییم که مغز در طول این ساعت ها تنها بیست و چشم ها نیز به همین میزان فعالیت

دارند. شاید فکر می کنید که هنگام خواب، چشم ها در حال استراحت اند؛ اما این صحیح نیست. یاخته های چشم به صورت مستمر چه در خواب و چه در بیداری کار می کنند. «  
 ❖ نوشته زیر، یک متن ادبی است و قصد آفرینش ادبی دارد و از واژگان با بار احساسی، استفاده کرده است.

« همه طبقات آسمان را گشته ام. در دل ستاره باران نیمه شب های روشن و مهربان تابستان، بر جاده کهکشان تاخته ام. صحرای ابدیت را در نور دیده ام. بال در بال فرشتگان، در فضای پاک ملکوت شنا کرده ام. با خدایان، ایزدان، با همه الهه های زیبای آسمان، با همه ارواح جاوید که در آسمان آرام یافته اند، آشنا بوده ام. از هر جا، از هر یک، یادی، یادگاری، برایت آورده ام. از سیمای هر کدام زیباترین خط را ربوده ام. از اندام هر یک، نازنین طرح را گرفته ام. از هر گلی، افقی، دریایی، آسمانی، چشم اندازی، رنگی دزدیده ام و با دست و دامنی پر از خط ها و رنگ ها و طرح های آن سوی این آسمان زمینی، از معراج نیمه شبان تنهایی، به دامان مهربان تو فرو د آمده ام. نشسته ام تا آن ودیعه ها که از آسمان ها آورده ام در دامن تو ریزم . »

### حکایت نگاری صفحه ۷۱

#### بازنویسی حکایت :

از یکی از عالمان (حکیمان) شنیدم که گفت: فقط یه شخص به نادانی و جهالت خود اعتراف می کند و آن کسی است که در زمان صحبت کردن شخص دیگری، در حالی که هنوز سخن او به اتمام نرسیده شروع به سخن گفتن می کند و این نشانه جهالت چنین فردی است.  
 ای انسان فهمیده، سخن سر و ته و ابتدا و انتها دارد. پس در میان سخنان دیگران صحبت مکن که انسان عاقل و هوشمند فقط هنگامی صحبت می کند که سکوت برقرار باشد و کسی در حال سخن گفتن نباشد.